

China's Trade Countermeasures Against the United States and Their Impact on the International Multilateral Trading Order (2017–2025)

Saeed Mirtorabi¹ & Mahmoud Bayat²

DOI: [10.48308/piaj.2026.241749.1776](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241749.1776) Received: 2025/9/28 Accepted: 2026/2/18

Original Article

Extended Abstract

Introduction: The evolution of China–US trade relations between 2017 and 2025 represents one of the most consequential developments in the contemporary international political economy. The escalation of the trade war since 2018 has posed systemic challenges to the multilateral trading order. While the United States utilized extensive tariffs, technology export restrictions, and tightened foreign investment controls to preserve its hegemonic position, China adopted multilayered strategies—including the development of autonomous supply chains, the expansion of regional trade agreements, and the advancement of technological self-reliance—to redefine global trade rules. The central research question asks: “How have China’s countermeasures against US trade policies between 2017 and 2025 impacted the multilateral trading order?” The hypothesis posits that China’s responses—characterized by the expansion of regional trade blocs, coalition-building via the Belt and Road Initiative (BRI) and BRICS+, and the implementation of robust industrial and non-tariff countermeasures—have inadvertently intensified global protectionism and eroded the foundations of the liberal trade order.

Methods: This study employs a qualitative, descriptive-analytical approach with a focus on trend analysis. Data were synthesized from international trade statistics and reports issued by the WTO, IMF, and World Bank, supplemented by peer-reviewed research. The theoretical framework of “commercial-political confrontation” is applied to examine China–US relations along a spectrum ranging from strategic competition to “competitive coexistence.” The analysis proceeds through three stages: first, identifying Chi-

1. Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author). saeed.mirtorabi@khu.ac.ir

2. Ph.D. Candidate in International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran. mahmoud.bayat@gmail.com



na's behavioral patterns in response to US provocations; second, assessing their impact on multilateral mechanisms; and third, correlating these findings with five intermediary mechanisms: economic competition, technological supremacy, institutional influence, shifts in relative power, and the proliferation of protectionism.

Results and Discussion: The findings indicate that beyond reciprocal tariffs, China adopted a long-term strategy of “institutional hedging” and strategic decoupling to reduce dependence on Western markets. The expansion of free-trade agreements across the Global South, the strengthening of parallel financial institutions (such as the Asian Infrastructure Investment Bank), and the enlargement of BRICS have enhanced China's institutional leverage while bypassing WTO-based liberal norms. In the technological sphere, China's aggressive investment in semiconductors, artificial intelligence, and electric vehicles (EVs) has secured a significant global market share, intensifying the “tech war” with the US. Furthermore, export controls on critical minerals and the creation of independent payment systems have exerted counter-pressure on the US and its allies. Trend analysis suggests that while bilateral trade remains significant, China's persistent countermeasures have accelerated a shift from a US-centric liberal order toward a fragmented system characterized by regionalism and multipolarity.

Conclusion: This study concludes that China's countermeasures, operating through five key intermediary mechanisms, have weakened the traditional liberal trade order while fortifying regional and bilateral arrangements. These trends are entrenching a multi-centric and fragmented global trade environment, which offers new opportunities for developing countries but also increases transaction costs and reduces global economic predictability. Consequently, for secondary powers and developing states, the necessity for trade diversification, enhanced institutional capacity, and active participation in reshaping multilateral rules has become paramount to maintaining their standing in the emerging global order.

Keywords: China, United States, Trade War, Multilateral Trading Regime, Parallel Institutionalism, Global Supply Chain Restructuring, Economic Nationalism.

Citation: Mirtorabi, Saeed & Bayat, Mahmoud. 2026. China's Trade Countermeasures Against the United States and Their Impact on the International Multilateral Trading Order (2017–2025), *Political and International Approaches*, Spring, Vol 18, No 1, PP 1-26.



اقدام‌های متقابل تجاری چین علیه آمریکا و تأثیر آن بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی (۲۰۱۷-۲۰۲۵)

سعید میرترابی^۱ و محمود بیات^۲

DOI: [10.48308/pijaj.2026.241749.1776](https://doi.org/10.48308/pijaj.2026.241749.1776)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: تحولات روابط تجاری چین و ایالات متحده در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ یکی از مهم‌ترین رخدادهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل بوده و تشدید جنگ تجاری از ۲۰۱۸ نظم تجارت چندجانبه را با چالش جدی روبه‌رو کرده است. آمریکا با اعمال تعرفه‌های گسترده، محدودیت‌های صادرات فناوری و کنترل سرمایه‌گذاری خارجی در پی حفظ موقعیت هژمونیک خود برآمد. در مقابل، چین با راهبردهای چندسطحی شامل توسعه زنجیره‌های تأمین مستقل، گسترش پیمان‌های منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در صنایع راهبردی و سیاست خودکفایی فناورانه تلاش کرد قواعد تجارت جهانی را بازتعریف کند. پرسش اصلی این پژوهش این است که: «اقدام‌های متقابل چین در برابر جنگ تجاری آمریکا در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ چگونه بر نظم تجاری چندجانبه تأثیر گذاشته است؟» فرضیه نیز این است که اقدام‌های متقابل چین از طریق توسعه بلوک‌های تجاری منطقه‌ای، ائتلاف‌سازی بر محور «ابتکار کمربند، راه» و «بریکس»، پیگیری سیاست‌های توسعه صنعتی و فناوری و اقدام‌های تقابلی غیرتعرفه‌ای در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، موجب تقویت حمایت‌گرایی و تضعیف بنیان‌های نظم لیبرال تجاری شده است.

روش: این پژوهش با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر تحلیل روند انجام شده است. داده‌ها از آمار تجارت بین‌الملل و گزارش‌های سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی گردآوری و با پژوهش‌های معتبر تکمیل شده‌اند. چارچوب نظری «تعامل و تقابل تجاری-سیاسی» روابط چین و آمریکا را در طیفی از همکاری تا رقابت بررسی می‌کند. تحلیل در سه مرحله انجام می‌شود: شناسایی الگوهای رفتاری چین در برابر اقدامات آمریکا؛ سنجش اثر این الگوها بر سازوکارهای چندجانبه و تطبیق یافته‌ها با پنج سازوکار میانجی شامل رقابت اقتصادی، برتری فناورانه، نفوذ نهادی، تغییر قدرت نسبی و حمایت‌گرایی.

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). [saeed.mirtora-](mailto:saeed.mirtora-bi@khu.ac.ir)

bi@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. mahmoud.bayat@gmail.com



یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چین در واکنش به سیاست‌های تعرفه‌ای آمریکا، علاوه بر اقدامات متقابل تعرفه‌ای، راهبرد بلندمدت کاهش وابستگی به اقتصاد غرب را پی گرفت. گسترش پیمان‌های تجارت آزاد در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، تقویت نهادهای مالی موازی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیایی، تعمیق همکاری‌های جنوب-جنوب و توسعه «ابتکار کمربند، راه» و «بریکس»، جایگاه نهادی چین را ارتقا داد و نفوذ قواعد لیبرال سازمان تجارت جهانی را محدود کرد. در حوزه فناوری، سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته همچون نیمه‌رساناها، هوش مصنوعی و خودروهای برقی سهم چین را افزایش داده و رقابت فناورانه با آمریکا را تشدید کرده است. کنترل صادرات مواد حیاتی، تحریم‌های متقابل و ایجاد زیرساخت‌های پرداخت مستقل، فشار متقابلی بر آمریکا و متحدانش وارد کرده است. تحلیل روند داده‌ها نشان می‌دهد شدت و تداوم رفتارهای مقابله‌ای چین، نظم تجاری جهانی را از محور لیبرال به سمت منطقه‌گرایی و چندقطبی‌گرایی سوق داده است، اگرچه روابط تجاری دو کشور به‌طور کامل قطع نشده و نوعی «همزیستی رقابتی» شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری پژوهش نشان می‌دهد اقدامات چین با اثرگذاری بر پنج سازوکار میانجی، موجب تضعیف نظم لیبرال تجاری و تقویت ترتیبات منطقه‌ای و دوجانبه شده و گرایش به حمایت‌گرایی را افزایش داده است. تداوم این روند می‌تواند نظم چندمرکزی و تکه‌تکه‌شدن قواعد تجارت جهانی را تثبیت کرده و فرصت‌هایی برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کند، اما همزمان ریسک افزایش هزینه‌های مبادله و کاهش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد جهانی را در پی دارد. بنابراین، سیاست‌گذاران باید با تنوع‌بخشی تجاری، تقویت ظرفیت نهادی و مشارکت در بازتعریف قواعد چندجانبه، جایگاه خود را حفظ کنند.

واژگان کلیدی: چین، ایالات متحده، جنگ تجاری، نظم تجاری چندجانبه، نهادسازی موازی، زنجیره تأمین جهانی، حمایت‌گرایی.

استناددهی: میرترابی، سعید و بیات، محمود. ۱۴۰۵. اقدام‌های متقابل تجاری چین علیه آمریکا و تأثیر آن بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی (۲۰۲۵-۲۰۱۷)، بهار، سال ۱۸، شماره ۱، ۱-۲۶.

مقدمه

نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی که بر قواعد سازمان تجارت جهانی، توافق‌های منطقه‌ای و سازوکارهای حل اختلاف استوار است، پس از تشدید جنگ تجاری آمریکا و چین دچار تنش شدید شده است. در حالی که آمریکا- از نظر تاریخی - حامی این نظم بود، از سال ۲۰۱۷ به‌جای استفاده از سازوکارهای چندجانبه و حل اختلافات در چارچوب سازمان تجارت جهانی، به تعرفه‌های یک‌جانبه و محدودیت‌های فناوری علیه چین روی آورد و این اقدامات را با ادعای مقابله با رفتارهای ناعادلانه چین و حفاظت از امنیت ملی توجیه کرد. این چرخش موجب تضعیف نقش سازوکارهای چندجانبه و کاهش کارآمدی سازمان تجارت جهانی شد. هم‌زمان، نهاد تجدیدنظر سازمان تجارت جهانی نیز از ۲۰۲۰ به دلیل نرسیدن به حد نصاب عملاً فلج شد و توانایی خود برای رسیدگی به درخواست‌های تجدیدنظر را از دست داد (WTO, 2020: 2-6).

چین در واکنش به این شرایط، تعرفه‌های تلافی‌جویانه علیه آمریکا را با استراتژی‌های ساختاری و نهادی عمیق‌تری ترکیب کرد. از نظر اقتصادی، چین تعرفه‌های متقابل و اقدام‌های هدفمندی را دنبال کرد که صادرکنندگان آمریکایی را در بخش‌های کلیدی تحت تأثیر قرار می‌داد. از نظر نهادی، چین در دو مسیر موازی درگیر شد؛ (۱) حفظ تعامل با نهادهای چندجانبه تا حدی که سودمند باشد و (۲) ایجاد ترتیبات حاکمیتی جایگزین یا تکمیلی - مانند پیشبرد رهبری «همکاری اقتصادی جامع منطقه‌ای»^۱ در میان اقتصادهای آسیا و اقیانوسیه و ترویج ابتکار کمربند، راه^۲ به عنوان بستری برای تقویت پیوندهای اقتصادی و انتشار هنجارها. در چنین بستری، مسئله اساسی پژوهش حاضر، نه صرفاً توصیف تقابل تجاری چین و آمریکا، بلکه تبیین مسیر علی و روندی است که از خلال آن، اقدام‌های متقابل چین توانسته‌اند بر ساختار و کارکرد نظم چندجانبه اثر بگذارند. از این‌رو، تمرکز تحقیق بر تحلیل روند^۳ رفتارهای اقتصادی، نهادی و فناورانه چین در دوره‌ی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ است تا بتوان رابطه‌ی میان این رفتارها و تحول در نظم تجاری را به‌صورت نظام‌مند ارزیابی کرد.

تمرکز بحث مقاله حاضر بر بخش دوم این تحولات در حوزه‌های غیرتعرفه‌ای است و تلاش دارد تأثیر اقدام‌های متقابل چین در برابر آمریکا را بر نظم تجاری چندجانبه بین‌المللی بررسی کند. پرسش اصلی مقاله این است که اقدام‌های متقابل چین در مقابله با جنگ تجاری آمریکا در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ چگونه بر نظم تجاری چندجانبه تأثیر گذاشته است؟ فرضیه تحقیق بیان می‌کند که اقدام‌های متقابل چین از طریق توسعه بلوک‌های تجاری منطقه‌ای، ائتلاف‌سازی بر محور ابتکار کمربند، راه و بریکس، پیگیری سیاست‌های توسعه صنعتی و فناورانه و اقدام‌های تقابلی غیرتعرفه‌ای در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، موجب تقویت سیاست‌های حمایت‌گرایانه و تضعیف بنیان‌های نظم لیبرال تجاری شده است.

بر این اساس، پژوهش که با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر تحلیل روند به نگارش درآمده، تلاش دارد با ردیابی روند زمانی و تطبیقی رفتارهای چین، مسیر تأثیر این اقدامات بر پنج سازوکار

1. Regional Comprehensive Economic Partnership (RCEP)
2. Belt and Road Initiative (BRI)
3. Trend Analysis

میانجی رقابت اقتصادی، برتری فناورانه، نفوذ نهادی، تغییر قدرت نسبی و رفتار حمایت‌گرایانه را آشکار سازد. بر این مبنای اقدامات تقابلی چین به عنوان متغیر مستقل، از طریق تقویت سیاست‌های حمایت‌گرایانه (متغیر میانجی) بر نظم تجاری بین‌المللی (متغیر وابسته) اثر گذاشته است. مقاله برای تحلیل فرضیه، ابتدا ادبیات پیشینه را بررسی کرده، سپس چارچوبی نظری بر اساس الگوی تعامل و تقابل تجاری-سیاسی تدوین می‌کند و در ادامه، فرضیه را با تمرکز بر متغیرهای مرتبط تحلیل می‌نماید.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی واکنش‌های چین در برابر اقدامات آمریکا را بررسی کرده‌اند. میرترابی و کشوریان آزاد (۱۳۹۹) در مطالعه «تأثیر خیزش چین بر نظم مالی بین‌المللی (۲۰۰۸-۲۰۱۸)» نشان داده‌اند که چین با مشارکت فعال در نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول و گروه ۲۰، تلاش کرده جایگاه خود را تقویت و موقعیت آمریکا را به چالش بکشد. یانگ و همکاران (۲۰۲۵) با تحلیل اثر جنگ تجاری آمریکا-چین بر صادرات چین از طریق مدل تفاوت در تفاوت‌ها نشان داده‌اند که اقدامات تلافی‌جویانه چین ضمن تقویت خودکفایی، بازارهای جهانی را تحریف کرده و نقش سازمان تجارت جهانی را تضعیف کرده است و نظم تجاری لیبرال را به چالش کشیده است (Yang et al., 2025). گوسارووا و فیورامونتی (۲۰۲۵) در مقاله «چین و ساخت نظم جهانی جدید و غیرلیبرال از طریق بریکس» نشان می‌دهند که چین از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ با ائتلاف‌سازی نهادی اصول سازمان تجارت جهانی را تضعیف، تجارت را به مدل‌های دولتی سوق داده، تجارت جهانی را تکه‌تکه کرده است. و این اقدام، ضمن تقویت جایگاه چین در جنوب جهانی، جایگزینی برای نهادهای غربی فراهم آورده است (Gusarova & Fioramonti, 2025).

کریمی‌پور (۱۴۰۳) در مقاله «دیپلماسی ارزی؛ مطالعه سیاست چین در نظام پولی بین‌المللی» توضیح می‌دهد که چین با دیپلماسی ارزی در سطوح یکجانبه، دوجانبه و چندجانبه، یوان را از سطح ملی به منطقه‌ای (در چارچوب کمربند، راه) ارتقا داده و با ابزارهایی مانند هاب‌سازی فراساحلی و دیجیتال‌سازی، به دنبال بین‌المللی شدن آن است. بون و کولب (۲۰۲۵) در مقاله خود با موضوع «بازتعریف هنجاری مکانیسم‌های موانع تجاری داخلی در آمریکا، اتحادیه اروپا و چین»، نشان می‌دهند که اقدامات تلافی‌جویانه چین این ابزارها را به سمت یک‌جانبه‌گرایی سوق داده و تعهد به سازمان تجارت جهانی را تضعیف کرده است. نویسندگان این تحول را علت اصلی افول چندجانبه‌گرایی و تکه‌تکه شدن تجارت جهانی می‌دانند (Bown & Kolb, 2025). ژانگ (۲۰۲۵) در مقاله خود با موضوع «سیاست صنعتی در رقابت میان هژمون موجود و ابرقدرت نوظهور: مورد آمریکا و چین»، نشان می‌دهد که سیاست صنعتی دولتی چین در مقیاس و خودکفایی موفق اما نوآوری پویا را محدود می‌کند، در حالی که مدل بازارمحور آمریکا در نوآوری‌های پیشرو برتر است. این دو مدل همزمان وجود خواهند داشت و رقابت را تشدید کرده و نظم لیبرال را تضعیف می‌کنند (Zhang, 2025).

شریعتی‌نیا (۱۴۰۳) در مقاله «دو چهره تجدیدنظرطلبی» استدلال می‌کند که برخلاف دیدگاه رایج، نه تنها چین، بلکه ایالات متحده نیز قدرت تجدیدنظرطلب است. چین به‌عنوان تجدیدنظرطلب ادغام شده

تغییرات تدریجی از طریق نهادهای موجود پیگیری می‌کند، درحالی‌که آمریکا به‌عنوان تجدیدنظرطلب میانجی به‌دنبال تغییرات رادیکال‌تر است. نوآوری پژوهش حاضر در این است که با استفاده از یک مدل نظری منسجم، وضعیت همکاری و رقابت میان قدرت‌های بزرگ در تجارت جهانی را طیف‌بندی کرده و نشان می‌دهد چگونه رقابتی شدن روابط چین و آمریکا به تضعیف بنیادهای نظم لیبرال چندجانبه منجر شده است.

۲. چهارچوب مفهومی تحقیق: مدل تقابل و تعامل تجاری-سیاسی^۱ (CPTI)

در چارچوب مفهومی این تحقیق، نظم تجاری بین‌المللی به‌عنوان طیفی پویا در نظر گرفته می‌شود که میان دو قطب «تجارت آزاد چندجانبه با رویکرد لیبرال» و «حمایت‌گرایی با رویکرد نئومرکانتیلیستی» در حرکت است. این طیف، که تحت تأثیر نیروهای اقتصادی، سیاسی و استراتژیک شکل می‌گیرد، امکان تحلیل دگرگونی‌های نظم تجاری را در مواجهه با تحولات بین‌المللی فراهم می‌سازد (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۱۴). از این منظر، روابط تجاری میان واشنگتن و پکن را می‌توان تجلی تنش و تعامل میان اصول لیبرالیسم تجاری و منطق حمایت‌گرایی دولت‌محور دانست.

در این چارچوب، مدل نظری لارسون و اسکیدمور (۲۰۱۷) که بر سه مؤلفه‌ی «رقابت اقتصادی»، «نفوذ نهادی» و «قدرت نسبی» در بستر جهانی شدن تأکید دارد، ابزار تحلیلی موثری برای درک سازوکارهای تعامل و تقابل میان کشورها، به‌ویژه در دوران تنش‌های تجاری بین آمریکا و چین، ارائه می‌دهد (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶: ۱۸۲-۱۴۷). در پرتو این مدل، اقدامات تجاری چین را می‌توان هم‌زمان به‌مثابه راهبردی برای افزایش رقابت اقتصادی در بازارهای جهانی، گسترش نفوذ نهادی از طریق ایجاد و تقویت سازوکارهای منطقه‌ای یا بین‌المللی جایگزین، و بهره‌گیری از قدرت نسبی فزاینده خود در ساختار تجارت بین‌المللی تحلیل کرد. ترکیب این چارچوب با دیدگاه طیفی نظم تجاری، بنیان نظری محکمی برای بررسی روند بازشکل‌گیری نظم تجاری جهانی در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ فراهم می‌آورد.

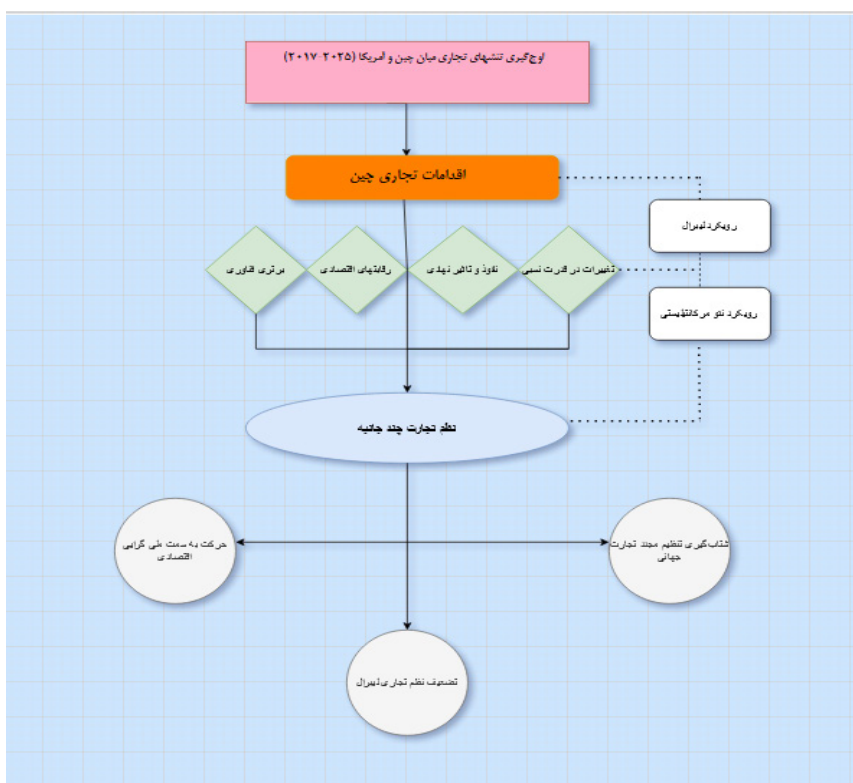
ویژگی متمایز روابط چین و ایالات متحده در عرصه‌ی تجارت، ترکیب دوگانگی تعامل و تقابل است. از یک سو، چین در بسیاری از بخش‌ها- همچون تجارت کالاهای مصرفی، زنجیره‌های تأمین جهانی و واردات محصولات کشاورزی و انرژی- نیازمند تداوم همکاری با اقتصاد آمریکا است. این همکاری برای رشد پایدار اقتصادی چین و نیز پاسخ به نیازهای داخلی آن کشور حیاتی به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر، در بخش‌های راهبردی نظیر فن‌آوری‌های پیشرفته، نیمه‌رساناها، هوش مصنوعی و صنایع دفاعی، شکاف و رقابت شدیدی میان دو کشور وجود دارد. سیاست‌های حمایتی و محدودیت‌های صادراتی ایالات متحده در برابر شرکت‌های چینی و تلاش چین برای تحقق خودکفایی فناورانه، نشانه‌ای از ظهور «دوگانگی تجاری-سیاسی» در روابط دو قدرت است؛ دوگانگی‌ای که به‌طور هم‌زمان هم به همکاری متقابل و هم به رقابت ساختاری و حتی ستیز تجاری و اقتصادی می‌انجامد.

بنابراین، چارچوب مفهومی این تحقیق که با عنوان «تقابل و تعامل تجاری-سیاسی» ارائه می‌شود، بر این ایده استوار است که روابط تجاری چین و آمریکا نه در قالب همکاری مطلق لیبرالیستی و نه در

1. (Commercial-Political Tension and Interaction - CPTI)

چارچوب حمایت‌گرایی مطلق نئومرکانتیلیستی قابل تبیین نیست، بلکه در محدوده‌ای سیال و پویا میان این دو قطب معنا می‌یابد. اقدامات تجاری چین علیه آمریکا - که از افزایش تعرفه‌ها تا توسعه نهادهای موازی را دربر می‌گیرد - مصداقی از این روند است که ضمن تضعیف بنیان‌های نظم لیبرال چندجانبه، موجب تقویت رویه‌های حمایت‌گرایانه در عرصه تجارت جهانی شده است. در همین حال، وابستگی متقابل اقتصادی در برخی بخش‌ها مانع از گسست کامل و الزام‌آور به سمت همکاری نسبی می‌شود. تصویر شماره یک، مدل تحلیلی پژوهش را نمایش می‌دهد که با تلفیق نظریه‌ی طیفی نظم تجاری، مدل لارسون و اسکیدمور و رویکردهای لیبرال و نئومرکانتیلیستی، تأثیر اقدامات تجاری چین را بر نظم تجاری بین‌المللی بررسی می‌کند. اقدامات چین در توسل به جنگ سیاسی و تجاری با آمریکا متغیر مستقل این مدل است که از طریق سازوکارهای میانجی و تعدیل‌گر، بر نظم تجاری چندجانبه به‌عنوان متغیر وابسته اثر می‌گذارد. در این چارچوب، پنج سازوکار اصلی شامل رقابت اقتصادی، برتری فناوری، نفوذ نهادی، تغییر در قدرت نسبی، و تقابل نظری میان دو رویکرد لیبرال و نئومرکانتیلیستی، روند اختلال در نظم لیبرال جهانی را توضیح می‌دهند. یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که جهت‌گیری نئومرکانتیلیستی چین با وجود حفظ نسبی تعامل اقتصادی، موجب تضعیف نهادهای چندجانبه و تسریع بازاریابی ساختار تجارت جهانی شده است.

تصویر شماره یک - تقابل و تعامل سیاسی و تجاری



منبع: نگارندگان

۳. تعامل و رقابت چین در عرصه جهانی: مسیر بازتعریف نظم لیبرال

چین در دو دهه اخیر با تبدیل شدن به محور اصلی تولید و صادرات جهانی، نقش ساختاری در تجارت بین‌المللی یافته‌است؛ جایگاهی که نتیجه رشد اقتصادی، سیاست‌های صنعتی هدفمند، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و ادغام تدریجی اقتصاد داخلی در شبکه‌های تجارت جهانی است. این تحولات وزن چین در الگوهای تجاری و مالی را افزایش داده و توازن قدرت اقتصادی را تغییر داده‌است.

با وجود تداوم جهانی‌شدن، چشم‌انداز اقتصاد جهانی در دهه اخیر با دوره اوج‌گیری اقتصادی چین تفاوت اساسی دارد. در حالی که مراحل پیشین بر گسترش زنجیره‌های ارزش فراملی و تعمیق وابستگی متقابل استوار بود، مرحله کنونی بیشتر بر کاهش ریسک، بازتنظیم مسیرهای تأمین و محدودسازی جریان فناوری‌های حساس متمرکز است. بنابراین، بهره‌گیری چین از جهانی‌شدن دیگر در قالب «ادغام عمیق» معنا نمی‌یابد، بلکه از طریق مدیریت وابستگی‌ها، ایجاد مسیرهای نهادی جایگزین و توسعه ظرفیت‌های فناورانه بومی پیگیری می‌شود. این تحول، نقش چین را از یک «ذی‌نفع سنتی جهانی‌شدن» به یک «بازطراح فعال سازوکارهای تجاری» تبدیل کرده‌است.

در چنین فضایی، روابط چین و آمریکا ماهیتی دوگانه یافته‌اند؛ همکاری در حوزه‌هایی مانند تجارت کالاهای مصرفی با رقابت فزاینده در حوزه‌هایی چون فناوری‌های پیشرفته، نیمه‌رساناها و صنایع راهبردی همراه شده‌است (Bown, 2021: 839). این درهم‌تنیدگی موجب شده چین تلاش کند آسیب‌پذیری‌های ساختاری خود را کاهش دهد، توانمندی‌های مستقل را تقویت کند و قواعد تعامل در نظم تجاری را بازتعریف کند.

چین در واکنش به فشارهای خارجی، تمرکز خود را بر گسترش توافقات منطقه‌ای، تقویت نهادهای موازی، توسعه فناوری‌های راهبردی و بهره‌گیری از ابزارهای غیرتعرفه‌ای معطوف کرده‌است. این چرخش، بازطراحی نظم تجاری بر پایه کاهش وابستگی، افزایش نفوذ نهادی و کنترل مسیرهای حیاتی تجارت و فناوری را دنبال می‌کند. نتیجه این روند در چهار محور اصلی شکل گرفته و بنیاد رفتار جدید چین در برابر آمریکا و چارچوب تحلیل نظم پسالیبرال را مشخص می‌کند.

۳-۱. ایجاد و گسترش توافقات تجاری منطقه‌ای

در بازه‌ی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، سیاست تجاری چین به‌طور فزاینده‌ای بر «شبکه‌سازی توافقات تجاری آزاد» متمرکز شده‌است؛ مسیری که هم‌زمان دسترسی به بازارهای جدید را تسهیل کرده و وزن ژئو-تجاری پکن را در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین افزایش داده‌است. این رویکرد با امضای توافقات گسترده دوجانبه و منطقه‌ای همراه بوده‌است - که نه تنها ظرفیت صادراتی چین را تقویت کرده - بلکه به‌طور موازی چارچوبی بدیل در برابر نظم تجاری لیبرال مبتنی بر سازمان تجارت جهانی ایجاد کرده‌است. تا سال ۲۰۲۵، چین بیش از ۲۹ توافق تجارت آزاد منعقد کرده (MOFCOM, 2023) که از شرق آسیا تا آفریقا و آمریکای لاتین گسترده است و به وابستگی ساختاری جدیدی در شرکای تجاری خود منجر

شده است، که حساسیت آنها به فشارهای آمریکا کاهش یافته و نفوذ ترجیحی چین را افزایش می‌دهد. نمونه بارز آن موافقت‌نامه چین-کامبوج است که از ۲۰۲۲ با حذف بیش از ۹۰ درصد تعرفه‌ها اجرا و پیوندهای چین با آسه‌آن را تقویت کرده است (MOFCOM, 2021). همچنین درخواست چین برای عضویت در «توافق جامع و مترقی برای مشارکت فراپاسیفیک»^۱ و «توافق مشارکت اقتصاد دیجیتال»^۲ نشان‌دهنده تکیه پکن بر استانداردگذاری فراملی برای رقابت ساختاری با آمریکا است.

از سال ۲۰۲۱، چین نخستین توافق تجارت آزاد خود در آفریقا را با موریس اجرایی کرد که علاوه بر حذف تعرفه‌ها، خدمات، سرمایه‌گذاری و اقتصاد دیجیتال را شامل می‌شود (MCCI, 2021) که این توافق، قواعد ترجیحی و مسیرهای سرمایه‌گذاری جدیدی برای کشورهای آفریقایی ایجاد کرده است. در آمریکای لاتین، توافق‌هایی مانند چین-اکوادور و چین-نیکاراگوئه (۲۰۲۴) دسترسی کالاهای چین را تثبیت و معماری مقرراتی منطقه را به چارچوب اقتصادی پکن متصل کرده‌اند (AS-COA, 2024). حمایت از طریق ابتکار کمربند، راه و پروژه‌های زیرساختی، وابستگی اقتصادی و نفوذ ژئوپلیتیکی چین را افزایش می‌دهد. همچنین توافق چین-صربستان (۲۰۲۴) نفوذ چین در حاشیه اتحادیه اروپا و فشار ساختاری بر اروپا و آمریکا را تقویت کرده است (MERICS, 2025).

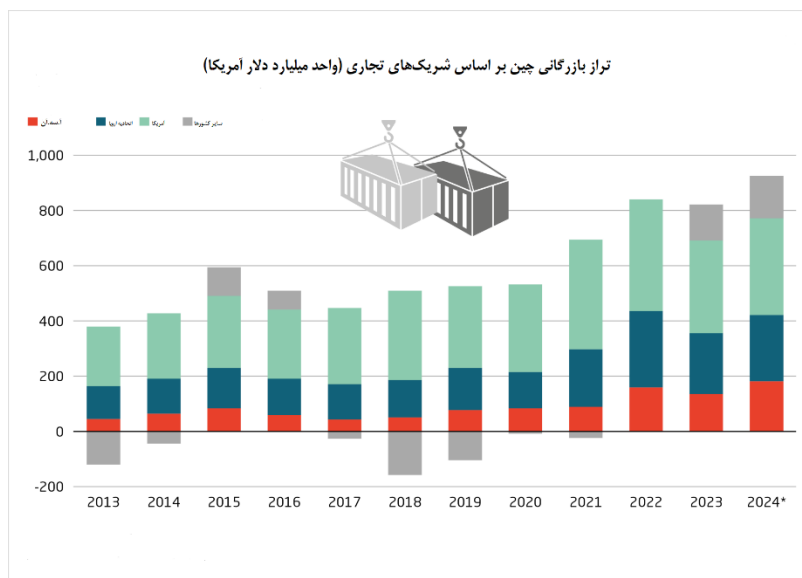
توافق‌های منطقه‌ای و دوجانبه چین، اگرچه قانونی و مشروع هستند، اما نظم تجاری لیبرال را تضعیف کرده‌اند. نمونه برجسته، توافق مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای است که با پوشش یک‌سوم اقتصاد و جمعیت جهان، نفوذ نهادی چین را افزایش داده است. نبود مقررات سخت‌گیرانه درباره یارانه‌ها، بنگاه‌های دولتی و استانداردهای محیط‌زیستی، به تعهد کمتر نسبت به نهادهای لیبرال منجر شده (Baldwin, 2021: 130-134). و این «عمق نهادی کمتر» به چین امکان گسترش نفوذ بدون مواجهه با سازوکارهای نظارتی آمریکا را می‌دهد.

افزون بر این، رفتار چین در عرصه تجاری- از جمله اعطای یارانه‌های گسترده و گزارش‌دهی ناکافی در سازمان تجارت جهانی (WTO, 2021)، استفاده ابزاری از تجارت به‌عنوان ابزار فشار سیاسی علیه کشورهایمانند استرالیا (Wilson, 2021: 503)، و محکومیت‌های مکرر در اختلافات مربوط به محدودیت صادرات مواد خام و عناصر نادر خاکی (Van den Bossche & Zdouc, 2017: 230-232)- باعث شده توافق‌های منطقه‌ای چین بدیلی با استانداردهای پایین‌تر باشند. این الگو بخشی از راهبرد پکن برای کاهش ظرفیت نفوذ آمریکا بر رفتار تجاری چین است؛ زیرا آمریکا در نهادهای لیبرال قدرت تنظیم‌گری گسترده دارد اما در ترتیبات ترجیحی چین فاقد چنین اهرمی است. در نتیجه، انسجام نظم مبتنی بر پیش‌بینی‌پذیری، شفافیت و عدم تبعیض بیش از پیش تضعیف شده است.

از منظر رقابت اقتصادی نیز، الگوی تراز بازرگانی نشان می‌دهد چین طی سال‌های اخیر مازاد چشمگیری با شرکای اصلی خود-به‌ویژه آمریکا-کسب کرده است (MERICS, 2024). این مازاد تنها یک نتیجه اقتصادی نیست، بلکه از نظر راهبردی «سرمایه‌ای برای موازنه‌سازی در برابر فشارهای تجاری آمریکا» محسوب می‌شود و انعطاف‌پذیری چین را در مواجهه با سیاست‌های تهاجمی واشنگتن افزایش می‌دهد.

1. Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership
2. Digital Economy Partnership Agreement

تصویر شماره ۲- تراز بازرگانی بر اساس شریک تجاری



تصویر نشان می‌دهد که چین در سال‌های اخیر مزاد بازرگانی قابل توجهی با شرکای کلیدی دارد و این مزاد به ویژه با آمریکا و دیگر شرکای بزرگ افزایش یافته است. (MERICS, 2024)

مجموعه توافقاتی که چین نه فقط بازارهای صادراتی این کشور را گسترش داده‌اند، بلکه به ابزاری برای موازنه‌سازی نهادی و راهبردی در برابر ایالات متحده تبدیل شده‌اند. همین پیوند مستقیم میان «گسترش ترتیبات تجاری» و «کاهش وابستگی به قواعد لیبرال تحت رهبری آمریکا» است که این بخش را در ارزیابی فرضیه تحقیق درباره رفتار جدید چین، به مؤلفه‌ای کلیدی تبدیل می‌کند.

در سطح نهادی، چین با گسترش توافقاتی دوجانبه و منطقه‌ای، چارچوب‌های موازی با سازمان تجارت جهانی ایجاد کرده و قواعد خود در تعرفه، سرمایه‌گذاری و مقررات دیجیتال را اعمال می‌کند (Zhang, 2024: 15-17). این سیاست واکنشی به فشارهای آمریکا و کاهش وابستگی به سازوکارهای غرب محور است و از طریق فناوری‌های پیشرفته و مشارکت در توافق‌نامه اقتصاد دیجیتال، برتری فناورانه و قدرت چانه‌زنی خود را افزایش می‌دهد.

مجموع این روندها سبب افزایش نفوذ چین در زنجیره‌های تأمین جهانی شده و جایگاه آن را از یک بازیگر صرفاً اقتصادی به معمار فعال نظم نوظهور تجاری ارتقا داده است. این تحول، بر اساس فرضیه تحقیق، نشانه‌ای از آن است که چین در دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ از طریق تجارت، رفتاری هدفمند برای بازتنظیم موازنه قدرت با آمریکا اتخاذ کرده و ساختار تجارت جهانی را از تک‌قطبی آمریکامحور به سمت چندمرکزی رقابتی سوق داده است. در ادامه همین روند، چین با استفاده از «ابتکار کمربند، راه» و «بریکس» شبکه‌ای از ائتلاف‌های نهادی و تجاری گسترش داده که مکمل راهبرد ژئوتجاری آن است. این ائتلاف‌ها منابع مالی و نهادی خارج از کنترل غرب را بسیج کرده و به چین امکان تعمیق قواعد ترجیحی خود در مقیاس فرامنطقه‌ای را می‌دهند، که نقش مهمی در تقویت نفوذ اقتصادی و تجاری پکن دارد. بررسی این تحولات، محور اصلی بخش ۲-۳ است.

۳-۲. ائتلاف‌سازی نهادی و تجاری بر محور «ابتکار کمربند، راه^۱ و بریکس^۲»

در دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، کنش نهادی چین در برابر فشارهای آمریکا در دو مسیر موازی اما مکمل رخ داده است: نخست، تثبیت و تعمیق شبکه‌های همکاری موجود مانند «ابتکار کمربند-راه» که پس از ۲۰۲۰ از فاز گسترش سریع به مرحله نهادینه‌سازی رسیده و وابستگی‌های راهبردی را پایدار کرده است؛ دوم، فعال‌سازی ائتلاف‌های چندجانبه کارآمد مانند بریکس و سازوکارهای مالی-پولی وابسته به آن. این دو مسیر نشان می‌دهند چین نه با واکنش مقطعی، بلکه با چارچوبی نظام‌مند، حساسیت متقابل را کاهش و قدرت ساختاری خود را افزایش داده و الگوهای بدیل قدرت در نظم بین‌الملل ایجاد کرده است.

ابتکار کمربند، راه، ابزار اصلی چین برای ایجاد شبکه همکاری اقتصادی و نهادی با کشورهای جنوب جهانی است. این طرح ظاهراً توسعه‌ای، اما در عمل بازتعریف‌کننده روابط قدرت و سازنده نظم اقتصادی-سیاسی جایگزین است. اتصال شرق و غرب از طریق کریدورهای زمینی، دریایی و دیجیتال به کاهش وابستگی به مسیرهای تحت کنترل غرب، توسعه مناطق پیرامونی، گسترش بازارهای نفوذ و تثبیت جایگاه در زنجیره‌های تأمین جهانی کمک می‌کند. چهار عنصر رقابت اقتصادی، نفوذ نهادی، برتری فناوری و تغییر قدرت نسبی به‌طور هم‌افزا قواعد تجارت جهانی را به نفع چین بازسازی کرده و بنیادهای نظم لیبرال را به چالش می‌کشند، نشان‌دهنده نقش بازطراحانه چین در نظم جهانی است.

رقابت اقتصادی چین با توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی، از جمله کریدور اقتصادی چین-پاکستان و راه آهن لائوس-چین، تقویت شده است؛ پروژه‌هایی که زمان و هزینه حمل‌ونقل را کاهش داده و منافع عمده آن‌ها به شرکت‌های چینی رسیده است (Ashraf & Zheng, 2022: 15-18, & China Daily, 2024). این الگو وابستگی ساختاری به چین ایجاد و اصول بازار آزاد را تضعیف می‌کند. در سطح نهادی، ایجاد نهادهایی مانند بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا با ۱۰۹ عضو، چارچوبی موازی با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌دهد (Heinrich Böll Foundation, 2021) که با انعطاف بالا و شفافیت محدود، استقلال کشورهای میزبان و نظارت بین‌المللی را کاهش و قدرت پکن در بازتعریف تجارت و سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند.

در حوزه فناوری، «جاده ابریشم دیجیتال^۳» نفوذ چین را در زیرساخت‌های اطلاعاتی، تجارت الکترونیک و استانداردهای دیجیتال افزایش می‌دهد. تجهیزات مخابراتی، مراکز داده و شبکه‌های هوش مصنوعی شرکت‌های چینی کشورهای عضو را وابسته کرده و به چین امکان بازنویسی قواعد فنی تجارت جهانی را می‌دهد. این روند با استانداردهای باز و چندجانبه نظم لیبرال در تضاد بوده و چین را در اقتصاد دیجیتال به بازیگر اصلی تبدیل می‌کند.

چرخش در قدرت نسبی از طریق ابتکار کمربند، راه مشهود است؛ وابستگی کشورهای عضو به زنجیره‌های تأمین چین، استفاده گسترده از رمبندی و گسترش بازارهای صنایع چینی موقعیت ژئوپلیتیکی پکن را تقویت و هژمونی مالی غرب را تضعیف کرده است (Chin & He, 2019: 470). بحران‌های بدهی

1. Belt and Road Initiative

2. BRICS

3. Digital Silk Road

در پاکستان و سریلانکا، واگذاری بندر هامبانتوتا سریلانکا برای ۹۹ سال (CSIS, 2018; AidData, 2023) و شفافیت پایین قراردادهای (۷۵ درصد محرمانه) استقلال تصمیم‌گیری و تجارت منصفانه را محدود می‌کند (Heinrich Böll Foundation, 2021). بیش از ۸۰ درصد پروژه‌ها در آفریقا توسط شرکت‌های چینی بدون مناقصه اجرا شده (World Bank, 2018: 13) و سرمایه‌گذاری ۴۰ درصدی در زغال‌سنگ نشان‌دهنده فاصله با توسعه پایدار است. طرح‌های غربی نتوانسته‌اند با منابع و انسجام مشابه رقابت کنند و وابستگی کشورهایمانند یونان و مجارستان به سرمایه‌گذاری‌های چینی، انسجام غرب را تضعیف کرده است (CSIS, 2024); این داده‌ها نشان می‌دهند چین با ابزارهای اقتصادی قدرت نسبی را تغییر داده و نظم جهانی را بازتعریف می‌کند.

داده‌ها نشان می‌دهند که ابتکار کمربند، راه فراتر از یک پروژه زیرساختی است و با کاهش شفافیت، محدودسازی رقابت آزاد، افزایش بدهی‌های غیرپایدار، کاهش چندجانبه‌گرایی و تقویت نفوذ فناورانه چین، بنیان‌های نظم لیبرال را تضعیف می‌کند. هرچند این طرح می‌تواند تا ۲۰۴۰ حدود ۷۰۱ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی بیفزاید (Cebr, 2019)، اما اساساً بازآرایی قدرت را نشان می‌دهد که چین را به محور شبکه‌های اقتصادی، نهادی و دیجیتالی تبدیل و قواعد جهانی را مطابق ترجیحات خود بازتعریف می‌کند.

جدول شماره یک: تضاد داده‌های ابتکار کمربند، راه با شاخص‌های نظم لیبرال

شاخص نظم لیبرال	وضعیت در پروژه‌های ابتکار کمربند، راه	داده‌ها / شواهد	تضاد مستقیم
شفافیت	قراردادهای محرمانه، عدم انتشار عمومی	۷۵٪ قراردادهای ابتکار کمربند، راه شامل بندهای محرمانه.	نقض اصل شفافیت سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی
رقابت آزاد	واگذاری مستقیم به شرکت‌های چینی	۸۰ درصد پروژه‌های آفریقا توسط پیمانکاران چینی	محدد سازی رقابت بین المللی
بدهی پایدار	افزایش بدهی‌های غیرقابل مدیریت	بیش از ۱۰ کشور دارای بدهی بالای ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی به چین	ایجاد بحران مالی و تله بدهی
چندجانبه‌گرایی	تمرکز بر قراردادهای دوجانبه	۸۰ درصد پروژه‌ها دوجانبه طراحی شده‌اند (Dollar, ۲۰۱۹)	تضعیف نظم چندجانبه سازمان تجارت جهانی

توسعه پایدار	سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی	۴۰ درصد سرمایه‌گذاری انرژی در زغال‌سنگ	مغایرت با اهداف اقلیمی پاریس
هژمونی مالی دلار	افزایش استفاده از رنمینی	رشد ۵ برابری تسویه‌حساب با رنمینی در کشورهای ابتکار کمربند، راه	کاهش سلطه دلار در تجارت جهانی

منبع: نگارندگان

در مجموع، ابتکار کمربند، راه فراتر از یک برنامه توسعه‌ای، ابزاری چندلایه برای بازسازی معماری اقتصاد سیاسی جهانی است. کشورهای درگیر باید میان فرصت‌های کوتاه‌مدت و هزینه‌های نهادی-راهبردی بلندمدت توازن برقرار کنند و با شفافیت، تنوع شرکا، مناقصات رقابتی و حفظ پایداری بدهی، وابستگی یک‌جانبه را کاهش دهند. برای غرب، ارائه بدیل‌های واقعی در منابع، فناوری و حکمرانی تنها راه ایجاد رقابت پایدار و جلوگیری از فرسایش بنیان‌های نظم لیبرال است.

در مسیر کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای تجاری و فناورانه آمریکا، بریکس در ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ به ابزاری راهبردی برای چین تبدیل شد. این ائتلاف با گسترش اعضا در ۲۰۲۵ و پیوستن کشورهای مانند ایران، مصر، امارات، ایتوپی و اندونزی، حدود ۴۵ درصد جمعیت و نزدیک به ۳۷ درصد تولید جهانی را دربر می‌گیرد (Watcher Guru, 2025) و ظرفیت آن را برای بازتظیم معماری مالی و تجاری جهان و تقویت نقش نهادی چین تکمیل می‌کند.

در حوزه رقابت اقتصادی، سهم بریکس در تجارت خارجی چین طی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۵ به حدود ۲۵ درصد رسید (Andaman Partners, 2025)، که نشان‌دهنده انتقال هدفمند زنجیره‌های تأمین و بازارهای صادراتی به کشورهایی کمتر تحت تأثیر محدودیت‌های آمریکا است. سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی بیش از ۱۰۰ میلیارد دلاری چین در اعضای بریکس از مسیر ابتکار کمربند-راه، شبکه‌ای از وابستگی‌های پایدار ایجاد کرده و ظرفیت موازنه‌سازی چین در برابر آمریکا را افزایش داده (Green Finance & Development Center, 2025). هم‌زمان موقعیت نسبی آمریکا در بخش‌هایی از تجارت جهانی محدود شده است.

نقطه تمرکز دیگر چین در بریکس، حوزه مالی و ارزی است. ایجاد نهادهایی مانند بانک توسعه جدید^۱ و سازوکارهای پرداخت با ارزهای محلی با هدف کاهش وابستگی به دلار انجام شده است (Positive Mon-ey, 2025). استفاده از ارزهای محلی در تجارت درون‌بریکس بین ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ روند افزایشی داشته و چین و روسیه نقش اصلی را ایفا کرده‌اند (Greene, 2023). چین هم‌زمان از یوان دیجیتال برای تسویه‌حساب استفاده کرده و وابستگی به نظام مالی غرب محور را در تجارت انرژی و کالاهای فناورانه کاهش داده است، که پیوند تدریجی «دولاریزه‌سازی»^۲ با الگوهای تجارت جنوب محور را شکل می‌دهد.

1. New Development Bank
2. De-dollarization

در حوزه فناوری، بریکس بستری برای کاهش تأثیر محدودیت‌های آمریکا شده است. پس از ۲۰۲۲، همکاری چین و روسیه در فناوری انرژی، سیستم‌های پرداخت دیجیتال و صنایع حساس افزایش یافته و دسترسی چین به بازارهای کمتر تحت کنترل غرب را تسهیل کرده است (Liu & Wang, 2025). هم‌زمان، گسترش تجهیزات هواوی در شبکه شبکه نسل پنجم کشورهایی مانند ایتوپیی، برزیل و هند (به‌صورت محدود) موجب کاهش نفوذ استانداردهای آمریکایی شده (GSMA, 2025) و به چین امکان می‌دهد در استانداردهای فناوری‌های نوین نقش فعال داشته باشد.

بریکس همچنین بستری برای افزایش نفوذ نهادی چین بوده است. طرح ایجاد سیستم پرداخت جایگزین سوئیفت^۱ در اجلاس ۲۰۲۵ و استقبال اولیه برخی اعضا از آن، نشان‌دهنده تلاش برای شکل‌دهی به ترتیبات مالی موازی با نهادهای غرب‌محور است (BRICS, 2025). این اقدام، علاوه بر کاهش ریسک تحریم‌پذیری چین، پیامدهایی برای معماری مالی بین‌المللی دارد و می‌تواند قابلیت تنظیم قواعد مالی را از انحصار غرب خارج کند.

مجموعه روندهایی مانند تسویه‌های غیردلاری، استانداردهای فناوری و نهادهای مالی موازی، بریکس را به بستری برای فرسایش تدریجی نظم لیبرال و کاهش کارایی نهادهای غرب‌محور تبدیل کرده است. انتقال تجارت، سرمایه‌گذاری و فناوری کشورهای جنوب به شبکه‌های چین‌محور، نقش بریکس را از همکاری جنوب-جنوب فراتر برده و به ابزاری برای چندقطبی‌سازی اقتصاد جهانی بدل نموده است. در نتیجه، نفوذ تصمیم‌گیران لیبرال کاهش و ظرفیت چین برای تنظیم قواعد جایگزین افزایش یافته است. این تحولات به‌صورت تدریجی و انباشتی، مسیر بازتعریف نظم جهانی را تأیید می‌کنند.

۳-۳. پیگیری سیاست راهبردی صنعتی و فن‌آوری

از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، حمایت دولتی چین از فناوری‌های پیشرفته یکی از تحول‌آفرین‌ترین روندها در اقتصاد سیاسی بین‌الملل بوده است. برنامه‌هایی مانند «ساخت چین ۲۰۲۵» با هدف کاهش وابستگی به فناوری خارجی و ارتقای تولید داخلی، شامل یارانه‌های مستقیم، وام‌های کم‌بهره، صندوق‌های سرمایه‌گذاری دولتی و حمایت از شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی است (Wang & Li, 2022). این سیاست‌ها فراتر از توسعه صنعتی عمل کرده و به ابزار راهبردی چین برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر محدودیت‌های آمریکا و مدیریت فشارهای خارجی تبدیل شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که فناوری و سرمایه‌گذاری صنعتی در این دوره نقش کلیدی در موازنه قدرت ایفا کرده است.

از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴، سهم تحقیق و توسعه چین از تولید ناخالص داخلی از ۲.۱۲ درصد به ۲.۶۸ درصد افزایش یافته و هزینه‌های تحقیق و توسعه به ۳.۶۱۳ تریلیون یوان رسیده است (National Bureau of Statistics of China, 2025)، که زمینه تقویت شرکت‌هایی مانند اس‌ام‌آی‌سی^۲ و بیدو^۴ و توسعه چندباره

1. SWIFT
2. Made in China 2025
3. SMIC
4. Baidu

«صندوق سرمایه‌گذاری ملی صنعت مدار مجتمع^۱» را فراهم کرده است (OECD, 2025). این رشد نشان می‌دهد سیاست چین فراتر از توسعه صنعتی است و هدف راهبردی آن کاهش آسیب‌پذیری فناورانه در برابر فشارهای آمریکا و تثبیت موقعیت در حوزه فناوری به‌عنوان جایگزینی برای معماری فناوری غرب است، روندی که اهمیت استراتژیک آن از اثر اقتصادی صرف فراتر می‌رود.

از سال ۲۰۲۰ و همزمان با بحران جهانی کرونا، چین راهبرد «دو مدار^۲» را معرفی کرد تا بازار داخلی را تقویت کرده و تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین خود را افزایش دهد. فشارهای خارجی، به‌ویژه محدودیت‌های صادراتی آمریکا بر شرکت‌هایی مانند هواوی و زدتی‌ای و محدودیت دسترسی به فناوری‌های تراشه پیشرفته، انگیزه دولت چین برای افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های راهبردی را تقویت کرد (China Briefing, 2021). بنابراین، ترکیبی از نیازهای امنیت ملی، رقابت اقتصادی و فشارهای ژئوپلیتیک، گسترش یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم چین را در این دوره رقم زد و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهور مانند محاسبات کوانتومی و انرژی‌های پاک رشد چشمگیری یافت. این روند نشان می‌دهد که چین فناوری را تنها ابزار توسعه صنعتی نمی‌بیند، بلکه آن را به وسیله‌ای برای افزایش انعطاف‌پذیری و توان بازدارندگی خود تبدیل کرده است.

دو عامل اصلی سیاست‌های صنعتی چین در دوره اخیر، رقابت اقتصادی و برتری فناورانه بوده‌اند. فشارهای آمریکا به‌ویژه در نیمه‌رساناها، چین را به خودکفایی فناوری، جذب متخصصان خارجی و تقویت زنجیره تأمین بومی رساند. همزمان، چین الگوریتم‌های هوش مصنوعی بومی توسعه داده، در تدوین استانداردهای جهانی ارتباطات نسل پنجم و ششم مشارکت کرده و در فناوری‌های نوین مانند همجوشی هسته‌ای سرمایه‌گذاری سنگینی انجام داده است. همکاری فناورانه با روسیه از سال ۲۰۲۲ در حوزه انرژی و سیستم‌های پرداخت دیجیتال از گام‌های کلیدی این استراتژی است (Wang & Li, 2022). این روند نشان می‌دهد که چین هم‌زمان در پی حفظ رقابت اقتصادی، گسترش نفوذ فناوری و ایجاد ظرفیت‌های موازنه‌ای در سطح بین‌المللی است.

با وجود پیشرفت‌های چین در خودکفایی و نوآوری، سیاست‌های صنعتی این کشور با قواعد سازمان تجارت جهانی در تعارض قرار گرفته است. استفاده گسترده از یارانه‌های آشکار و پنهان برای صنایع راهبردی مانند فولاد، پنل خورشیدی و خودروهای برقی، باعث شده چین به نقض موافقت‌نامه یارانه‌های سازمان تجارت جهانی متهم شود. در پاسخ، اتحادیه اروپا در ۲۰۲۴ تحقیقات ضد یارانه علیه خودروهای برقی چین را آغاز و تعرفه‌هایی وضع کرد (Reuters, 2024) و آمریکا نیز با اجرای قانون کاهش تورم وارد تقابل تجاری جدیدی با چین شد که به شکایت‌های متقابل در سازمان تجارت جهانی انجامید. این وضعیت نوعی «جنگ یارانه‌ای^۳» میان قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده است.

از منظر نظری، این رویکرد در چارچوب نئومرکانتیلیسم و سرمایه‌داری دولتی قرار می‌گیرد که دولت را محور توسعه فناوری و تخصیص منابع می‌داند (García-Herrero & Krystyanczuk, 2024). چنین سیاست‌هایی اگرچه مزیت فناورانه و مقیاس‌پذیری صنایع چین را تقویت می‌کند، اما اصول رقابت منصفانه،

1. National Integrated Circuit Industry Investment Fund
2. Dual Circulation
3. subsidy war

جریان آزاد سرمایه و نظم لیبرال تجارت جهانی را تضعیف کرده است. در نتیجه، واکنش‌های متقابل مانند قانون چپس^۱ آمریکا و استراتژی صنعتی اروپا شدت گرفته (Brookings, 2022) و خطر تکه‌تکه شدن نظام تجارت جهانی و کاهش کارآمدی نهادهایی مانند سازمان تجارت جهانی افزایش یافته است. در مجموع، چین با افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، به دنبال خودکفایی فناورانه و تسلط بر صنایع آینده است که این روند در دهه آینده ادامه یافته و نظم اقتصادی جهانی را دگرگون خواهد کرد. رشد صادرات چین، تنوع زنجیره‌های تأمین، ایجاد ظرفیت مازاد^۲ و دامپینگ را به همراه داشته که واکنش‌هایی مانند تعرفه‌های ضد دامپینگ را برانگیخته است. سیاست‌های حمایتی، چین را از بازیگری منفعل به قدرتی تأثیرگذار در اقتصاد و فناوری جهانی تبدیل کرده است.

۳-۴. اقدام‌های تقابلی غیرتعرفه‌ای

مسیر تحول چین از مشی مشارکت‌جویانه در ساختارهای موجود به رویکردی هدفمند برای بازآرایی سازوکارهای اقتصادی-نهادی گذشته تغییر کرده است. این کشور با بهره‌گیری از ظرفیت اقتصادی عظیم و نفوذ نهادی روبه‌رشد، اقداماتی نظیر نهادسازی جایگزین، فشار متقابل، طراحی زنجیره‌های تأمین چین محور و تمرکز بر بازارهای در حال توسعه را پیگیری می‌کند. این اقدامات، بیانگر دگرگونی عمیق در تعامل چین با نظم جهانی است. داده‌های رسمی این گذار را تأیید می‌کنند: ارزش کل تجارت کالای چین در ۲۰۲۴ حدود ۶.۱ تریلیون دلار و صادرات آن بیش از ۳.۵۸ تریلیون دلار بوده است (General Administration of Customs of the PRC, 2025; World Trade Organization, 2025: 4). این ظرفیت‌ها، اهرم‌های لازم برای نفوذ بر قواعد نهادی و رفتار اقتصادی بین‌المللی را فراهم کرده و چین را به «معمار فعال» بخش‌های کلیدی نظم اقتصادی جهانی تبدیل نموده است.

نهادسازی موازی همچنان از ارکان اصلی راهبرد چین است. در این راستا، شبکه‌ای از مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری مستقل یا همسو با اهداف پکن، علاوه بر نهادهای غرب محور، شکل گرفته است. گسترش بریکس و پیوستن اعضای جدید، این گروه را از سطح گفت‌وگو فراتر برده و زمینه‌ای برای هم‌افزایی نهادی و مالی فراهم کرده است. سازوکارهای مالی بریکس - مانند تأمین نقدینگی و همکاری توسعه‌ای - گزینه‌هایی غیر از الگوهای غربی را پیشنهاد می‌دهند. پیوند فزاینده بریکس با ابتکارهای چین محور این نکته را تقویت می‌کند که نفوذ نهادی چین تنها دوجانبه نیست، بلکه از طریق شبکه‌های چندجانبه نیز گسترش یافته و قدرت تأثیرگذاری پکن بر قواعد نظم جهانی را افزایش داده است. پژوهش تجربی نشان می‌دهد کشورهای بنیان‌گذار بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا در دوره ۲۰۱۹-۲۰۱۶ به‌طور میانگین ۲۲ درصد کمتر در پروژه‌های بانک جهانی مشارکت داشته‌اند (Qian, Vreeland, & Zhao, 2023: 217)، که نشان می‌دهد نهادسازی چین نه تنها مکمل، بلکه در برخی حوزه‌ها جایگزین مؤثر مؤسسات غربی بوده و مسیر تصمیم‌گیری مالی جهانی را به سوی ساختاری چندمرکزی هدایت می‌کند.

1. CHIPS Act
2. Fragmentation
3. Overcapacity

جدول شماره ۲- نهادسازی موازی چین در مقابل نظم لیبرال

نهادسازی موازی توسط چین	نهادهای غرب محور
حوزه سیاست‌های پولی و مالی	
۱- بانک توسعه جدید بریکس ۲- بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی ۳- توافقنامه ذخایر احتمالی بریکس ۴- ابتکار چندجانبه گرایانه چانگ‌مای ۵- آسه‌آن+ سه ۶- دفتر تحقیقاتی اقتصادی کلان آسیا ۷- مکانیسم‌هایی برای بین‌المللی کردن رنمینی ۸- شانگهای به عنوان مرکز مالی جهانی با سلطه رنمینی ۹- سیستم پرداخت بین‌المللی چین ۱۰- گروه رتبه‌بندی اعتباری جهانی ۱۱- سیستم پرداخت مشترک چین	۱- بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای ۲- بانک توسعه آسیایی ۳- صندوق بین‌المللی پول ۴- صندوق بین‌المللی پول، نشست مدیران بانک‌های مرکزی شرق آسیا و اقیانوس آرام ۵- مکانیسم‌های بازار ارز مستقر ۶- مراکزی که مستقر بودند برای بازارهای مالی و کالاها ۷- سیستم‌های پرداخت مستقر ۸- آژانس‌های رتبه‌بندی اعتبار ۹- شرکت‌های خدمات مالی
حوزه سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری	
۱- مشارکت اقتصادی جامع منطقه‌ای ۲- منطقه تجارت آزاد آسیا پاسفیک ۳- روابط دوجانبه چین-آمریکا و چین-اتحادیه اروپا	۱- مشارکت ترنس پاسفیک ۲- پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری ترنس-آتلانتیک
حوزه پروژه‌های زیرساختی میان منطقه‌ای	
۱- کانال نیکاراگوئه ۲- کمربند اقتصادی جاده ابریشم	۱- کانال پاناما ۲- اتحادیه اقتصادی اوراسیا
حوزه مجامع دیپلماتیک	
۱- نشست‌های سران بریکس ۲- انجمن‌های منطقه‌ای چین ۳- انجمن Bo'ao برای آسیا	۱- جی ۷ / جی ۸ ۲- انجمن‌های منطقه‌ای که به ابتکار آمریکا یا اتحادیه اروپا تاسیس شدند ۳- داووس، انجمن جهانی اقتصادی

این ترکیب نهادسازی و پروژه‌ورزی نشان می‌دهد که راهبرد چین صرفاً اقتصادی نیست بلکه نهادی و قانونی نیز هست.

(موسوی شفایی و همکاران: ۱۳۹۸: ۳۸۵)

نهادهای موازی چین، با مقابله تدریجی با مؤسسات غربی، بر منافع ملی، استقلال تصمیم‌گیری و

هدایت منابع مطابق راهبردهای خود تمرکز دارند. این ساختارها توازن قدرت جهانی را به نفع چین تغییر داده، نظم لیبرال را تضعیف کرده، قواعد بین‌المللی را به سمت جایگزین‌های غیرغربی سوق داده و سلطه سنتی غرب در نظام مالی جهانی را به چالش کشیده‌اند.

همزمان با نهادسازی، چین ابزارهای تقابلی را نیز توسعه داده است. تصویب «قانون ضد تحریم‌های خارجی»^۱ در ۲۰۲۱ مبنای حقوقی لازم برای واکنش متقابل را فراهم کرد و در عمل به تحریم شرکت‌های دفاعی آمریکا مانند لاکهید مارتین و ریتئون منجر شد (Reuters, 2023; SCMP, 2023). در ۲۰۲۴ نیز محدودیت‌های جدید بر صادرات مواد حیاتی مانند گالیوم و ژرمانیوم اعمال شد (Bloomberg, 2024; MOFCOM, 2024). داده‌های مؤسسه مریکس در بازه ۲۰۱۰-۲۰۲۲ حدود ۱۲۳ مورد فشار اقتصادی چین را ثبت کرده‌اند که از اواخر دهه ۲۰۱۰ افزایش یافته است (MERICS, 2022: 3). این الگو نشان می‌دهد که چین به جای واکنش مقطعی، به صورت برنامه‌ریزی شده و چندلایه از ابزارهای فشار اقتصادی بهره می‌برد تا هزینه مخالفت بازیگران دیگر را بالا برده و ساختار تعاملات بین‌المللی را به نفع خود بازطراحی کند. تصویر زیر به این نکته اشاره دارد:

تصویر شماره ۳- سهم اقداماتی را نشان می‌دهد که چین علیه شرکت‌ها و دولت‌های خارجی اتخاذ کرده است



نمودار نشان می‌دهد که دولت‌ها بیشتر از ابزارهای محدودکننده در سطح تجارت و گردشگری برای اعمال فشار استفاده می‌کنند، در حالی که شرکت‌ها بیشتر به رویکردهای غیررسمی یا فشارهای عمومی تمایل دارند (MERICS, 2022: 7). در سطح زنجیره‌های تأمین، سامانه‌های پرداخت و تسویه چین محور^۲ در ۲۰۲۴ بیش از ۸.۲ میلیون تراکنش به ارزش حدود ۲۴/۴ تریلیون دلار پردازش کرده‌اند (PBOC, 2024) و سهم یوان در پرداخت‌های جهانی به ۳.۸-۴.۳ درصد رسیده است (SWIFT, 2024; BBVA Research, 2025). این زیرساخت‌ها، ساختار معاملات بین‌المللی را بازطراحی کرده، وابستگی به دلار را کاهش و استقلال تسویه‌ها را افزایش داده‌اند. اتصال تأمین‌کنندگان، خریداران و بانک‌ها، هزینه و زمان تسویه را پایین آورده و شبکه‌های چندقطبی یوانی ایجاد کرده‌اند؛ این امر فضای مانور چین برای تأثیرگذاری بر قواعد پرداخت جهانی را تقویت می‌کند.

1. Anti-Foreign Sanctions Law
2. Cross-Border Interbank Payment System - CIPS)

اقدامات چین، از جمله تعرفه‌ها و ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا، با اصول بنیادین نظم لیبرال در تضاد هستند؛ مشارکت کشورهای عضو در پروژه‌های بانک جهانی ۲۲ درصد کاهش یافته و مکانیسم‌های نظارتی لیبرال دور زده شده است (Qian, Vreeland, & Zhao, 2023). چین با محدود کردن اطلاعات، تقویت شرکت‌های دولتی، توسعه زیرساخت‌های مالی خود و ترویج یوان، سلطه مالی غرب را به چالش کشیده و جایگزینی غیرلیبرال بدون شفافیت ایجاد کرده است. این روند وابستگی کشورهای دیگر به غرب را کاهش و نفوذ قواعد لیبرال را تضعیف می‌کند.

در مجموع، چین با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی و نفوذ نهادی، به سوی نظم اقتصادی چندقطبی حرکت می‌کند که در آن برتری فناورانه و تغییرات قدرت جهانی نقش مکمل دارند. گسترش یوان، ایجاد سازوکارهای مالی-حقوقی موازی و توسعه چارچوب‌هایی مانند بریکس، نمونه‌های تلاش برای تنوع‌بخشی به قواعد جهانی هستند. این روند با افزودن تدریجی ابزارهای نهادی و مالی، نه فروپاشی، بلکه کاهش وزن نسبی نظم لیبرال را به دنبال دارد. در صورت عدم اصلاح قوانین و نابرابری‌ها توسط غرب، ممکن است رژیم اقتصادی چندلایه‌ای تثبیت گردد که قواعد چین محور و نهادهای موازی در آن نقش کلیدی در موازنه نهادی آینده ایفا کنند.

در جمع‌بندی می‌توان روند تغییرات پنج سازوکار اصلی رقابت چین با آمریکا از ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵ در جدول زیر مشاهده کرد. این جدول تأثیرات چین بر نظم تجاری چندجانبه و لیبرال را به وضوح مشخص می‌کند.

جدول شماره ۳- روند تغییرات پنج سازوکار اصلی رقابت چین با آمریکا (۲۰۲۵-۲۰۱۷)

پیامد بر نظم تجاری چندجانبه	روند کلی	۲۰۲۳-۲۰۲۵	۲۰۲۰-۲۰۲۲	۲۰۱۷-۲۰۱۹	محور / سال‌ها
تضعیف سازوکارهای چندجانبه و ایجاد شبکه‌های اقتصادی	افزایش تدریجی و پیوسته	تثبیت و تعمیق توافق‌ها؛ رشد سهم چین در تجارت با بریکس و جنوب جهانی	توسعه شبکه توافق‌های منطقه‌ای و دوجانبه؛ گسترش وابستگی کشورهای جنوب جهانی به چین	تشدید اقدامات تلافی‌جویانه علیه آمریکا؛ افزایش مازاد بازرگانی؛ حفظ تعامل اقتصادی محدود	رقابت اقتصادی

کاهش وابستگی فناوریانه به آمریکا؛ بازتعریف استانداردهای جهانی	رشد مداوم و استراتژیک	توسعه فناوری‌های نو ظهور؛ راه‌اندازی شبکه جاده ابریشم دیجیتال؛ گسترش استانداردهای فناوری چین	افزایش یارانه‌ها و حمایت‌های دولتی؛ بحران کرونا به عنوان محرک توسعه فناوری داخلی	سرمایه‌گذاری اولیه در فناوری‌های حساس؛ ایجاد طرح ساخت چین ۲۰۲۵	برتری فناوریانه
تضعیف جایگاه سازمان تجارت جهانی و نهادهای غرب‌محور؛ ایجاد قواعد جایگزین	افزایش قابل توجه و نظام‌مند	تثبیت ساختارهای نهادی جایگزین؛ استفاده از بریکس برای بازتنظیم قواعد مالی و تجاری	توسعه بریکس و ابتکار کمربند-راه؛ ایجاد نهادهای موازی با سازمان‌های غرب‌محور	مشارکت محدود در نهادهای بین‌المللی؛ ایجاد بانک توسعه ملی	نفوذ نهادی
تغییر نسبی قدرت از هژمونی آمریکا به چندمرکزی چین‌محور	رشد پیوسته و انباشتی	تثبیت موقعیت چین در جنوب جهانی؛ کاهش سلطه دلار و محدودسازی قدرت نسبی آمریکا	افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی از طریق پروژه‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری	شروع تغییرات در توازن اقتصادی جهانی؛ مازاد تجاری	قدرت نسبی

فرسایش نظم لیبرال؛ افزایش اهمیت بلوک‌های چین محور	حرکت به سمت نئومرکانتیلیسم راهبردی	تثبیت الگوی حمایت گرایانه و چندقطبی‌سازی	رشد سیاست‌های حمایت گرایانه و تنظیم توافق‌های ترجیحی؛ کاهش پایبندی به قواعد لیبرال	واکنش به اقدامات آمریکا؛ ترکیب همکاری و تقابل	تقابل لیبرال- نئومرکانتیلیستی
---	---	---	--	--	-------------------------------------

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۵، واکنش چین به فشارهای تجاری و فناوریانه آمریکا به یک پروژه راهبردی برای بازطراحی نظم تجارت جهانی تبدیل شد؛ پروژه‌ای که از طریق انباشت تدریجی عواملی مانند رقابت اقتصادی، برتری فناوریانه، نفوذ نهادی و تغییر قدرت نسبی شکل گرفت و به فرسایش ساختاری نظم لیبرال پسا جنگ انجامید. چین با ترکیب سیاست صنعتی دولتی، نهادسازی موازی در قالب بریکس و کمربند-راه، توسعه تریبات ترجیحی و استانداردگذاری فناوریانه، معماری اقتصادی بدیلی ایجاد کرد که بر وابستگی راهبردی و شبکه‌سازی دوجانبه استوار است و نظام تجارت جهانی را به سوی چندمرکزی رقابتی و نهادهای کم‌عمق‌تر سوق داد.

هم‌زمان، اقدامات آمریکا-از تعرفه‌ها و محدودیت‌های فناوری تا سیاست‌های صنعتی حمایتی-حمایت‌گرایی را تقویت و فضای مانور چین را گسترده‌تر کرد و نتیجه، شکل‌گیری وضعیتی دوگانه از تعامل محدود و تقابل ساختاری شد. در این شرایط، وابستگی متقابل نه به هم‌گرایی هنجاری انجامیده و نه مانع واگرایی نهادی شده، بلکه زمینه‌ساز یک نظم هیبریدی پسالیبرال گشته است که در آن قدرت دولتی، یارانه‌های راهبردی و شبکه‌سازی ژئوتجاری بار دیگر به عناصر محوری حکمرانی جهانی تبدیل شده‌اند.

چین به جای پیروی از چارچوب‌های تثبیت‌شده قدرت‌های نوظهور، راهبردی را انتخاب کرد که هدفش بازسازی میدان بازی جهانی بود. با استفاده از فناوری، زیرساخت‌ها و ائتلاف‌های ژئواکونومیک، چین منطق خود را در تجارت جهانی جا انداخت تا وزن اقتصادی خود به جای عبور از نهادهای سنتی، به شکل نیروی ساختاری عمل کند. به این ترتیب، چین نفوذ اقتصادی خود را به قدرت تنظیم‌گری غیررسمی تبدیل کرده و با ایجاد مسیرها و استانداردهای موازی، جایگاه هژمونیک نظم لیبرال را کاهش می‌دهد و آن را به یکی از چند مسیر رقیب تبدیل می‌کند.

بنابراین، تحول ۲۰۱۷-۲۰۲۵ نه نشانه گسیختگی ناگهانی، بلکه جلوه‌ای از فرسایش تدریجی و مشروع‌نما در نظم جهانی است؛ فرایندی که آینده تجارت بین‌الملل را به چگونگی مدیریت رقابت ساختاری میان قدرت‌ها گره می‌زند. در نتیجه، سیاست‌گذاران باید با راهبردهای متنوع‌سازی تجاری، تقویت ظرفیت نهادی و مشارکت فعال در بازتعریف قواعد چندجانبه، جایگاه خود را در نظم نوظهور جهانی تثبیت کنند.

منابع

- بالام، دیوید، و وست، مایکل. (۱۳۹۷). درآمدی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل. مترجمان: احمد ساعی و عبدالمجید سیفی. تهران: نشر قومس.
- شریعتی‌نیا، محسن. (۱۴۰۳). دو چهره تجدیدنظرطلبی. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۶(۳)، ۱-۲۴.
- کریمی‌پور، داود. (۱۴۰۳). دیپلماسی ارزی؛ مطالعه سیاست چین در نظام پولی بین‌المللی. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۶(۳)، ۷۳-۹۸.
- لارسون، توماس، و اسکیدمور، دیوید. (۱۳۷۶). اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت. مترجمان: احمد ساعی و مهدی تقوی. تهران: نشر قومس.
- موسوی شفایی، مسعود، کریمی، حمیدرضا، اسلامی، محسن. (۱۳۹۸). نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل (زنجیره ارزش چین محور در برابر نظم آمریکایی)، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۲(۲)، ۳۶۷-۳۹۴.
- میرترابی، سیدسعید. و کشوریان آزاد، محسن. (۱۳۹۹). تأثیر خیزش چین بر نظم مالی بین‌المللی (۲۰۰۸-۲۰۱۸). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۴)، ۱۷۰-۱۴۱.

References

- AidData. (2023), Pakistan's external debt to China. Retrieved from <https://www.aiddata.org>.
- Andaman Partners. (۲۰۲۵), BRICS: Transforming global economic power, even as members compete. <https://andamanpartners.com/2025/06/brics-transforming-global-economic-power-even-as-members-compete/>
- AS-COA (Americas Society / Council of the Americas). (2024), *Explainer: China's free-trade agreements in Latin America*. <https://www.as-coa.org/articles/explainer-chinas-free-trade-agreements-latin-america>.
- Ashraf, M., & Zheng, S. (2022), Transportation Costs and Time Impact of the China-Pakistan Economic Corridor. *International Journal of Regional Development*, 9(1), 1-23. <https://doi.org/10.5296/ijrd.v9i1.19519>.
- Balaam, David, and Michael West. (۲۰۱۸), *An Introduction to International Political Economy*. Translated by Ahmad Saei and Abdolmajid Seifi. Tehran: Ghoms Publishing. [In Persian]
- Baldwin, R. (2021), Asian regionalism and the rise of RCEP. *Journal of Economic Integration*, 36(2), 123-145.
- BBVA Research. (2025), riding the waves: Stocktaking RMB internationalization development. Retrieved from https://www.bbvaresearch.com/wp-content/uploads/2025/02/Riding-the-waves-Stocktaking-RMB-Internationalization-Development_edi.pdf
- Bloomberg (2024), China Curbs Exports of Gallium and Germanium. Bloomberg News.
- Bown, C. P. (2021), The US-China Trade War and Phase One Agreement. *Journal of Policy Modeling*, 43(4), 805-843. <https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2021.02.009>.
- Bown, C. P., & Kolb, M. (2025), Normative Realignment in Domestic Trade Barriers Procedures: Driving Unilateralism in the EU, US, and China. *World Trade Review*,

- 24(3), A Tribute to Frieder Roessler , July 2025 : 361 - 386 .DOI: <https://doi.org/10.1017/S1474745624000491> .
- BRICS. (2025), BRICS Rio de Janeiro Declaration: Strengthening Global South Cooperation for a More Inclusive and Sustainable Governance. BRICS Information Centre, University of Toronto. <http://www.brics.utoronto.ca/docs/250706-declaration.html>
 - Cebr. (2019), Belt and Road Initiative to boost world GDP by over \$7 trillion per annum by 2040. Centre for Economics and Business Research. Retrieved from <https://cebr.com/reports/belt-and-road-initiative-to-boost-world-gdp-by-over-7-trillion-per-annum-by-2040/>.
 - Center for Strategic and International Studies. (2018), Game of Loans: How China Bought Hambantota. Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/game-loans-how-china-bought-hambantota>
 - Center for Strategic and International Studies. (2024), enabling a better offer: How does the West counter Belt and Road? Retrieved from <https://www.csis.org/analysis/enabling-better-offer-how-does-west-counter-belt-and-road>.
 - Chin, G. T., & He, A. J. (2019), The internationalization of the Renminbi in Belt and Road Initiative countries. *Journal of Contemporary China*, 28 (118), 467–483.
 - China Briefing. (2021), what is China’s Dual Circulation Strategy and Why Should Foreign Investors Take Note. Retrieved from <https://www.china-briefing.com/news/what-is-chinas-dual-circulation-strategy-and-why-should-foreign-investors-take-note>.
 - China Daily. (2024, January 3), Railway turns Laos from landlocked to land-linked. Retrieved from <https://www.chinadaily.com.cn/a/202401/03/WS6594bd64a3105f21a507a46d.html>
 - Custer, S., Horigoshi, A., & Marshall, K. (2024), BRI from the Ground Up: Leaders from 129 countries evaluate a decade of Beijing’s signature initiative. AidData at William & Mary.
 - Dollar, D. (2019), China’s engagement with developing countries: The Belt and Road initiative. Brookings Institution.
 - García-Herrero, A., & Krystyanczuk, M. (2024), How does China conduct industrial policy: Analyzing words versus deeds? *Journal of Industry, Competition and Trade*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1007/s10842-024-00413-w>.
 - General Administration of Customs of the People’s Republic of China. (2025, January 13), China’s total goods imports and exports in 2024 reached 43.85 trillion yuan [as reported by SCIO/Xinhua]. Retrieved January 13, 2025, from https://english.scio.gov.cn/m/press-room/2025-01/13/content_117660726.html.
 - Green Finance & Development Center. (2025), China Belt and Road Initiative (BRI) investment report 2025 H1. Griffith Asia Institute, Griffith University. <https://greenfdc.org/china-belt-and-road-initiative-bri-investment-report-2025-h1>
 - Greene, R. (2023, December 5), The difficult realities of the BRICS’ dedollarization efforts—and the renminbi’s role. Carnegie Endowment for International Peace. <https://carnegieendowment.org/2023/12/05/difficult-realities-of-brics-dedollarization-efforts-and-renminbi-s-role-pub91173->
 - GSMA. (2025), the Mobile Economy 2025. <https://www.gsma.com/mobileeconomy/wp-content/uploads/2025/02/030325-The-Mobile-Economy-2025.pdf>
 - Gusarova, S., & Fioramonti, L. (2025), China and the Building of a New—and Illiberal—World Order through BRICS. *CEBRI Journal*, 15(1), 45-67. <https://cebri.org/revista/en-artigo/209/china-and-the-building-of-a-newand-illiberalworld-order-through-brics>

- Heinrich Böll Foundation. (2021), the AIIB's Transparency Deficit. <https://www.boell.de/en/2021/02/12/aiibs-transparency-deficit>.
- Karimi-Pour, D. (2024), Currency diplomacy: A study of China's policy in the international monetary system. Political and International Affairs Journal. [In Persian]
- Larson, Thomas, and David Skidmore. (۱۹۹۷), International Political Economy: The Quest for Power and Wealth. Translated by Ahmad Saei and Mehdi Taghavi. Tehran: Ghoms Publishing. [In Persian]
- Liu, Y., & Wang, X. (2025), International sanctions and export restructuring: How economic integration among BRICS nations drives trade transformation in Russia. Finance Research Letters. Volume 85, Part B, November 2025, 108022, 67, 106-118. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2025.108022>
- Mauritius Chamber of Commerce and Industry (MCCI), (2021, January 6), The Mauritius-China Free Trade Agreement has come into force on 01 January 2021. Retrieved from <https://www.mcci.org/en/media-news-events/business-updates/the-mauritius-china-fta-has-come-into-force-on-01-january-2021/>
- MERICS. (2022), Beijing uses economic coercion for signaling and deterrence. MERICS China Monitor. Retrieved August 25, 2022, from https://merics.org/sites/default/files/2022_08/Merics_ChinaMonitor_EconomicCoercion_EN-4.pdf.
- MERICS. (2024), China's record trade surplus is a global challenge [Chart]. Source: General Administration of Customs. Retrieved from MERICS databas
- MERICS. (2025, July), *Has China-Serbia Free Trade Agreement paid off for Serbia?* Retrieved from <https://merics.org/en/comment/has-china-free-trade-agreement-paid-serbia>.
- Ministry of Commerce of the People's Republic of China (MOFCOM), (2023, January 3), FTAs spur China's trade, partners' economies. Retrieved from https://english.www.gov.cn/news/202401/03/content_WS6594c5c5c6d0868f4e8e2ba2.html.
- Ministry of Commerce of the People's Republic of China (MOFCOM), (2021, November), China-Cambodia free trade agreement will come into effect on January 1, 2022. Ministry of Commerce. Retrieved from https://english.mofcom.gov.cn/News/SignificantNews/art/2021/art_d10c92deb4764ac49875f3bf8b552e7d.html
- Mirtorabi, Seyed Saeed, and Keshvarian Azad, Mohsen. (۲۰۲۰), The Impact of China's Rise on the International Financial Order (۲۰۱۸-۲۰۰۸), Political and International Approaches, ۱۷۰-۱۴۱, (۴)۱۱. [In Persian]
- MOFCOM (2024), Notice on Export Controls of Critical Materials. Ministry of Commerce of the PRC.
- Mousavi Shefaei, Masoud, Karimi, Hamidreza, and Eslami, Mohsen. (۲۰۱۹), Parallel Institution-Building as a Step toward a Peaceful Transition of the International Order (China-Centered Value Chain vs. the American Order), International Political Economy Studies, (۲)۲ ۳۹۴-۳۶۷. [In Persian]
- OECD. (2025, March 31), R&D spending growth slows in OECD, surges in China; government support for energy and defence R&D rises sharply. OECD. Retrieved from <https://www.oecd.org/en/data/insights/statistical-releases/2025/03/rd-spending-growth-slows-in-oecd-surges-in-china-government-support-for-energy-and-defence-rd-rises-sharply.html>.
- People's Bank of China [PBOC]. (2024), Payment System Report (2024), Retrieved from <http://www.pbc.gov.cn/en/3688110/3688259/3689026/3706133/5188172/5649949/index.html>

- Positive Money. (2025), Can BRICS challenge our dollar-centric global financial system? <https://positivemoney.org/uk-global/update/can-brics-challenge-our-dollar-centric-global-financial-system/>
- Qian, J., Vreeland, J. R., & Zhao, J. (2023), The Impact of China's AIIB on the World Bank. *International Organization*, 77(1), 217–237. <https://doi.org/10.1017/S0020818322000327>
- Reuters (2023), China Sanctions U.S. Defense Companies. Reuters.
- Reuters. (2024, August 9), EU executive confident its Chinese EV measures comply with WTO, says probe continues. Reuters.
- SCMP (2023), China Announces Sanctions on Lockheed Martin, Raytheon. *South China Morning Post*.
- Shariatinia, M. (2024), Two Faces of Revisionism. *Political and International Approaches*, 16(3), 1-24. [In Persian]
- SWIFT. (2024, December), RMB Tracker: Monthly reporting and statistics on renminbi (RMB) progress towards becoming an international currency. Retrieved from <https://www.swift.com/swift-resource/252355/download>.
- U.S. Congressional-Executive Commission on China. (2023), China's role in child and forced labor in the Congo. Retrieved from <https://www.cecc.gov/media-center/press-releases/post-hearing-press-release-china%E2%80%99s-role-in-child-and-forced-labor-in-the>.
- Van den Bossche, P., & Zdouc, W. (2017), *The Law and Policy of the World Trade Organization: Text, Cases, and Materials* (4th Ed.), Cambridge University Press.
- Wang, H., & Li, J. (2023), How does industrial policy experimentation influence firm innovation in China's MIC 2025? *Humanities and Social Sciences Communications*, 10(1), 1–13. <https://doi.org/10.1057/s41599-023-02497-x>.
- Watcher Guru. (2025, August 12), BRICS members in 2025: Full list, new member countries & global impact. <https://watcher.guru/news/brics-members-in-2025-full-list-new-member-countries-global-impact>
- Wilson, J. D. (2021), Economic statecraft in Australia–China relations. *Australian Journal of International Affairs*, 75(5), 494–512.
- World Bank. (2018), Belt and Road Economics. Retrieved from <https://documents1.worldbank.org/curated/en/715511560787699851/pdf/Main-Report.pdf>.
- World Trade Organization. (2025), Global trade outlook and statistics — April 2025 (Global Trade Outlook and Statistics), Geneva: WTO. See statement that “China was the largest exporter (US\$ 3.58 trillion)”. Retrieved from https://www.wto.org/english/res_e/booksp_e/trade_outlook25_e.pdf
- WTO. (2020), Report on the functioning of the WTO dispute settlement system. World Trade Organization. (pp. 2–6)
- Yang, T., Lau, W.-Y., & Abdul Bahri, E. N. (2025), The Impact of US-China Trade War on China's Exports: Evidence from Difference-in-Differences Model. *SAGE Open*, 15(1), <https://doi.org/10.1177/21582440251328482>
- Zhang, Danni. (2024), Understanding the evolution of China's approach to digital trade: interests, ideas, and institutions. *Asian Review of Political Economy*, 3, Article 7. <https://doi.org/10.1007/s44216-024-00026-4>.
- Zhang, K. H. (2025), Industrial policy in the competition between an existing hegemon and a rising superpower: The case of the US and China. *The Chinese Economy*, 58(2), 89–108. <https://doi.org/10.1080/10971475.2025.2469198>